

محمد سحرخوان

چکیده

در این مقاله، نخست قصد داریم تعریفی از استقلال ارائه دهیم و به اهمیت آن اشاره کنیم. سپس، دیدگاه اسلام را در مورد استقلال فرهنگی مطرح می‌کنیم و با توجه به مسجد و زمینه‌های استقلال فرهنگی آن، اذان را ندای آزادی و استقلال و قبله را نماد استقلال بیان می‌کنیم. در پایان نیز دخالت‌ندادن بیگانگان در امور مسجد، دفاع از آن و حتی جهاد برای حفظ مسجد را از جلوه‌های روشن استقلال فرهنگی اسلامی برمی‌شماریم.

اشاره

برای مفهوم استقلال معانی گوناگونی طرح شده است که مشترکات بسیاری با هم دارند؛ از جمله قطع مداخله بیگانگان، رهایی از سلطه استعمار و احیای هویت ملی و دینی.^۱ میل به استقلال میلی فطری و درونی است. افراد و جوامع گوناگون در پی هویت و استقلال خویش هستند و عزت نفس را بر هر چیز مقدم می‌دانند که خود یکی از علت‌های کشمکش میان افراد و جوامع گوناگون است.^۲ استقلال جنبه‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد. وجوه گوناگون استقلال بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. بدون تحقق شکل حقوقی حاکمیت ملی نمی‌توان استقلال سیاسی داشت و بدون وجوه استقلال سیاسی نیز هویت فرهنگی مستقل محقق نمی‌شود. شرط لازم برای استقلال و آزادی سیاسی در صحنه بین‌المللی و امور داخلی استقلال فرهنگی است؛ یعنی تحول عمیق اعتقادی، فکری و اخلاقی که با ترک فرهنگ دیگران و بازگشت به اسلام و فرهنگ غنی توحیدی همراه است.^۳

اهمیت استقلال فرهنگی

استقلال فرهنگی، فکری و مکتبی از مهم‌ترین مسائل هر جامعه است. ملتی حق حیات دارد که مکتبی مستقل و استقلال فکری داشته باشد. ملتی که مکتب مستقل نداشته باشد و بخواهد مکتبش را از بیگانه بگیرد یا به مکتب‌های بیگانه گرایش داشته باشد، ناچار به بردگی و بندگی بیگانه تن خواهد داد و استقلال فکری و فرهنگی به دست نخواهد آورد.^۴ چنانچه ملتی استقلال سیاسی و اقتصادی به دست آورد، ولی

^۱. استقلال و ضرورت‌های جدید، ص ۶۵.

^۲. همان، ص ۱۱.

^۳. فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی، ص ۸۵-۸۷.

^۴. پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۱۵۸-۱۶۷.

استقلال فرهنگی نداشته باشد، شکست خواهد خورد.^۵ از آنجا که استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگی آن سرچشمه می‌گیرد و فرهنگ اساسی‌ترین و اصولی‌ترین نقش را در کسب استقلال و حفظ آن ایفا می‌کند، اصلاح فرهنگ در رأس همه‌ی اصلاحات قرار دارد و تحول فرهنگی بزرگ‌ترین تحول در جهت رسیدن به جامعه‌ی انسانی سالم و مستقل است.

اسلام و استقلال فرهنگی

اسلام آئینی اعتقادی، عبادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دارد که از وحی سرچشمه می‌گیرد. همچنین، جهان‌بینی مخصوصی دارد که زیربنای همه‌ی برنامه‌هایش است و پرورش فضائل و کمالات انسانی را در رأس همه‌ی برنامه‌ها قرار داده است.^۶ فرهنگ غنی و انسان‌ساز اسلام به پیروانش استقلال و آزادی بخشیده است، در برنامه‌هایش تابع هیچ مکتبی نیست و از پیروانش نیز می‌خواهد تابع هیچ مکتبی جز اسلام نباشند. سلطه‌گران و قدرت‌های استعماری قصد دارند با تحمیل فرهنگ‌های استعماری و استکباری و جایگزین کردن آن‌ها به جای فرهنگ‌های ملی و مذهبی کشورهای ضعیف و ستم‌دیده را عمیق‌تر زیر سلطه درآورند. از این‌رو، بعد از جهاد، خداوند در قرآن بر استقلال مسلمانان بسیار تأکید کرده است؛ زیرا به عزت و استقلال مسلمانان بسیار اهمیت می‌دهد:^۷ «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۸، و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. خداوند مسلمانان را از تسلیم، ساده‌انگاری و زودباوری برحذر می‌دارد و از آنان می‌خواهد در برابر توطئه‌ها و هجوم بیگانگان همیشه آماده باشند.^۹

مسجد زمینه‌ساز استقلال فرهنگی

مسجد نه تنها بر استقلال فرهنگی مسلمانان تأکید می‌کند، بلکه زمینه‌ی آن را نیز فراهم می‌کند:

۱. اذان ندای آزادی و استقلال

هر ملتی برای برانگیختن عواطف افراد خود و دعوت آنان به وظایف فردی و اجتماعی شعاری داشته است. این موضوع در دنیای امروز به صورت گسترده‌تری دیده می‌شود. یهودیان برای دعوت پیروان خویش به نماز در شاخ می‌دمیدند و آن‌ها را آگاه می‌کردند. مسیحیان نیز از گذشته با نواختن صدای ناقوس پیروان خود را به کلیسا دعوت می‌کردند.

^۵. همان، ص ۱۷۰.

^۶. مقایسه‌ی تئوری‌های مقایسه‌ای، ص ۶۴.

^۷. سوره‌ی منافقون، آیه‌ی ۸

^۸. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۴۱

^۹. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۱۴۴

در اسلام، برای دعوت از اذان استفاده می‌شود که به مراتب رساتر و مؤثرتر است. صدای اذان یکی از شعائر بزرگ اسلامی و سندی بر ایستادگی آئین مسلمانان در برابر گذشت اعصار و دشمنان است. شاهد این گفتار اعتراف صریح یکی از رجال معروف انگلستان است. وی در برابر جمعی از مسیحیان چنین اظهار داشت: «تا هنگامی که نام محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مأذنه‌ها بلند است و کعبه پابرجاست و قرآن رهنما و پیشوای مسلمانان است، امکان ندارد پایه‌های سیاست ما در سرزمین‌های اسلامی استوار و برقرار گردد».^{۱۰}

۲. قبله، نماد استقلال امت اسلامی

قبله اهمیت فراوانی دارد، زیرا نماد استقلال امت اسلامی است. بیننده‌ی خارجی که به اصول و عقاید اسلامی آگاهی ندارد، در حکم خود درباره‌ی چگونگی اسلام فقط به مظاهر خارجی اعتماد می‌کند. اگر قبله‌ی مسلمانان همان قبله‌ی یهودیان باشد، بیننده‌ی خارجی اسلام را مانند یهودیت می‌بیند. بنابراین، تغییر قبله‌ی اسلام و جدایی آن از قبله‌ی یهود برداشت‌های غلط را باطل می‌کند. شاید شادمانی یهودیان از توجه مسلمانان به قبله‌ی آنان، بیت‌المقدس، این بود که گمان می‌کردند مردم میان دین اسلام و دین آنان فرقی نمی‌دیدند. تغییر قبله باعث شد تا آرزوی آنان نقش بر آب شود؛ به همین دلیل در برابر اسلام صف‌آرایی کردند. در این باره، قرآن گفته‌های آنان را منعکس کرده است؛ گروهی در برابر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) جبهه‌گیری کردند و گروهی دیگر از ایشان خواستند به قبله‌ی پیشین بازگردند تا او را تصدیق کنند. آنان با این گفته‌ها هدفی جز فریب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نداشتند. در نتیجه، تغییر قبله نماد جدایی کامل از یهودیان است.^{۱۱}

آیات ۱۴۳ تا ۱۵۰ سوره‌ی بقره به یکی از تحولات مهم تاریخ اسلام اشاره می‌کند که موجی عظیم میان مردم پدید آورد. پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) مدت سیزده سال پس از بعثت در مکه و چند ماه بعد از هجرت در مدینه، به امر خداوند، به سوی بیت‌المقدس نماز می‌خواند؛ ولی بعد قبله تغییر یافت و مسلمانان به سوی کعبه نماز خواندند. بیت‌المقدس قبله‌ی نخست و موقت مسلمانان بود و یهودیان این موضوع را دستاویز قرار داده بودند و مسلمانان را سرزنش می‌کردند که از خود استقلال ندارند. در آیه‌ی ۱۴۴ فرمان تغییر قبله صادر شده است:

ما نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله‌ی نهایی) می‌بینیم! اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی باز می‌گردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن

^{۱۰}. حج و حرمین در تفسیر نمونه، ص ۴۱۱-۴۱۲ و دولت رسول خدا، ص ۱۰۸.

^{۱۱}. دولت رسول خدا، ص ۱۶۰.

و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن گردانید....

پیامبر (صلی الله علیه و آله) از وابستگی مسلمانان و نداشتن قبله‌ای مستقل نگران بودند؛ لذا با تغییر قبله استقلال مسلمانان به اثبات رسید و پیامبر (صلی الله علیه و آله) خشنود شد.^{۱۲}

۳. دخیل ندانستن بیگانگان در امور مساجد

قرآن کریم در تبیین یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های اجتماعی، سیاسی و عقیدتی عموم مسلمانان را مخاطب قرار می‌دهد و در قالب وظیفه‌ای قطعی می‌گوید:

«وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»^{۱۳}، به کسانی که ظلم و ستم کرده‌اند تکیه نکنید (و اعتماد و اتکای شما بر این‌ها نباشد)؛ زیرا این امر سبب می‌شود که عذاب آتش دامان شما را بگیرد و غیر از خدا هیچ ولی و سرپرست و یآوری نخواهید داشت و هیچ کس شما را یاری نخواهد کرد.

اتکا بر کافران و اعتماد به آن‌ها موجب ضعف و ناتوانی جامعه‌ی اسلامی و ازدست‌دادن استقلال می‌شود. اعتماد به ظالمان در فرهنگ فکری جامعه به تدریج اثر می‌گذارد و موجب وابستگی می‌شود. این وابستگی، از هر نظر که باشد، نتیجه‌ای جز اسارت و استثمار ندارد.^{۱۴} از آیه‌ی ۱۱۳ سوره‌ی هود برداشت می‌شود که مسلمانان نباید برای پایداری دین و پیشبرد اهداف آن بر ستمگران تکیه کنند. ستمگران هرگز اهل ایمان را برای رسیدن به هدف‌های توحیدی‌شان یاری نخواهند کرد. فقط با اتکا بر خداوند و یاری طلبیدن از اوست که می‌توان در دینداری پایداری کرد و اهداف آن را پیش برد.^{۱۵}

استفاده از مذهب بر ضد مذهب همواره راه و رسم استعمارگران و منافقان بوده است. برخی از محققان گفته‌اند مسبب ساخت مسجد ضرار نام‌هی ابوعامر راهب نصرانی به منافقان بود که نیرو و سلاح تهیه کنند و مسجدی برای او بسازند تا نزد قیصر روم برود و سپاهی برای اخراج پیامبر (صلی الله علیه و آله) و یارانش از مدینه با خود بیاورد. منافقان نیز مسجد را ساختند تا افزون بر ایجاد تفرقه میان مؤمنان، محلی برای ورود فرستادگان ابوعامر فراهم کنند.^{۱۶} لذا پیامبر (صلی الله علیه و آله) دستور دادند مسجد ضرار را تخریب کنند و آتش بزنند؛ زیرا مسجد ضرار مسجد نبود، بلکه بت‌خانه و کانون تفرقه بود. جریان مسجد ضرار نشان می‌دهد که مسجد باید از دو عنصر مثبت تشکیل شود. نخست، شالوده و هدف آن از آغاز پاک

^{۱۲} . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۰۹ و تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۸۹.

^{۱۳} . سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۱۳

^{۱۴} . تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۶۱ - ۲۶۲.

^{۱۵} . تفسیر راهنما، ج ۸، ص ۲۷۷ - ۲۷۸.

^{۱۶} . دائرة المعارف قرآن، ج ۲، ص ۳۴ و بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۲۵۷.

باشد «أَسْسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ...»^{۱۷} و دیگر اینکه مؤسسان و پاسدارانش افرادی پاک، درستکار، باایمان و مصمم باشند: «فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا».^{۱۸}

۴. دفاع و جهاد برای حفظ مساجد

از جمله عوامل مؤثر در تداوم استقلال فرهنگی مسجد، دفاع جامعه از هجمه‌ی دشمن است. قرآن مسلمانان را به دفاع از اسلام و استقلال فرهنگی جامعه‌ی اسلامی فرا می‌خواند. آمادگی و تقویت قوای نظامی و تهیه‌ی ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان است: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَادَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا»^{۱۹}، و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود.

اگر افراد باایمان و غیور تماشاچی فعالیت‌های ویرانگرانه‌ی مستکبران باشند، اثری از مراکز عبادت الهی باقی نخواهد ماند. در پایان آیه، خداوند وعده‌ی نصرت الهی را تکرار و تأکید می‌کند: خداوند کسانی که او را یاری کنند و از آئین و مراکز عبادی‌اش دفاع کنند، یاری می‌کند: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ».^{۲۰}

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد

^{۱۷}. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۰۸

^{۱۸}. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۴۶.

^{۱۹}. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰

^{۲۰}. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۱۷.